

خطر آمریکا

فوری جدی، و باقی است

باید همگان را در مقابل تلاشهای خائنانه ضدانقلاب و خرابکاری و تحریک لیبرالها و مائوئیستمدار ایجاد جبهه داخلی، به اتحاد دعوت کرد

همه شواهد گویای آنست که امپریالیسم آمریکا توطئه‌های عظیم، خطرناکتر و گسترده‌تر از توطئه‌های پیشین را علیه انقلاب

و جمهوری اسلامی ایران تدارک می‌بیند. تدارکات نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه بنحو بقیه در صفحه ۴

نامه
مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۵
شبه ۶ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۹ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

ضرورت پاکسازی از گانهای انقلابی

صفحه ۷

امام خمینی:

امروز آنچه برای ما از همه چیز لازم تر است، آرامش است

* دشمنهای ما شاید اهمیت به این اختلافهای داخلی بیشتر بدهند تا هجوم نظامی

۴ دی ماه جاری در حضور جمع و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بیش از نهر چهارشنبه، جمع کثیری از انجمنهای اسلامی کسبه مشهد، طی سخنانی همگان را به حفظ آرامش دعوت کردند. امام خمینی از جمله گفتند: بقیه در صفحه ۴

برای حفظ آرامش در محیطهای کارگری بکوشیم

باز هم هشدار به کارگران در مورد اعتصاب، تحصن، کمکاری و نظایر آن: کارگران باید از دست زدن به این حربها در موقعیت کنونی جدا بپرهیزند. بنویس خود مسئولین نیز باید برای شنیدن حرف حق کارگران گوش شنوا داشته باشند و با مقاومت‌های بیجا به ضدانقلاب امکان سوء استفاده ندهند. صفحه ۴

فاجعه چهارشنبه، تلاشی است برای خنثی کردن پیام وحدت آیت الله منتظری

طبق گزارش خبرگزاری پارس، ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه، ۳ دی ماه ۵۹ گروهی به دفتر «انجمن کارکنان مسلمان» هوادار مجاهدین خلق، در خیابان مبارزان حمله کردند. درگیری و زد خوردی که روی داد، به خیابانهای اطراف نیز کشیده شد. طبق همین گزارش، در این واقعه متأسفانه جوانی ۲۶ ساله بنام حمید رضایی (از هواداران مجاهدین خلق) جان خود را از دست داد. خبرگزاری پارس در گزارش خود می‌افزاید که بنابه گفته «هواداران مجاهدین خلق» که در محل حادثه حضور داشتند، آنها «تدارک این حمله

آیت الله مهدوی کنی، وزیر کشور:

آمریکایی‌خواهد تحریکاتی بکند و نتیجه گیری بکند از این اختلافات

* احساس می‌کنم دستهایی در کار هست که می‌خواهد این کارها (اغتشاشات) بشود.

آیت الله مهدوی کنی، وزیر کشور بدنبال درگیریهای اخیر و ناآرامیهای چند روز گذشته تهران در یک مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران شرکت کرد و توضیحاتی بقیه در صفحه ۷

امپریالیستهای آمریکا قول همه گونه کمک و پشتیبانی به اشرف خائن برای توطئه علیه انقلاب ایران داده اند

* اشرف در سفرش به آمریکا با کیسه بونجر و راکفلر و راجرز ملاقات کرد و از آنها قول همه گونه کمک و پشتیبانی برای نابودی انقلاب ایران گرفت

رادیو مسکو، روز سه شنبه ۱۰ ر ۵۹، در ارتباط با توطئه های جدید امپریالیسم آمریکا برای سرکوب انقلاب ایران و نابودی جمهوری اسلامی ایران فاش کرد که، اشرف مزدور در سفر اخیر خود به آمریکا، وعده همه گونه کمک و پشتیبانی را در انجام توطئه های جنایتکارانه خود از مقامات آمریکائی گرفته است. در تفسیر رادیو مسکو آمده است: دارند که امپریالیستهای آمریکا همچنان به ضدانقلابیون ایران، که به توطئه چینی علیه ایران مشغولند و می‌خواهند رژیم سلطنتی را در کشور مجدداً برقرار سازند، کمک موثری می‌کنند. مسافرت اخیر اشرف، خواهر شاه سابق به ایالات متحده آمریکا، گواه بسازری بر این امر است. اشرف، که ریاست بربند و پارتیزان جناح ضدانقلابیون ایران را، بعهده دارد، در آمریکا با راکفلر و راجرز و راجرز ملاقات کرد و از آنها قول همه گونه کمک و پشتیبانی برای نابودی انقلاب ایران گرفت. اشرف، که به توطئه چینی علیه ایران مشغولند و می‌خواهند رژیم سلطنتی را در کشور مجدداً برقرار سازند، کمک موثری می‌کنند. مسافرت اخیر اشرف، خواهر شاه سابق به ایالات متحده آمریکا، گواه بسازری بر این امر است. اشرف، که ریاست بربند و پارتیزان جناح ضدانقلابیون ایران را، بعهده دارد، در آمریکا با راکفلر و راجرز و راجرز ملاقات کرد و از آنها قول همه گونه کمک و پشتیبانی برای نابودی انقلاب ایران گرفت.

حجت الاسلام خامنه‌ای: امکان حمله مستقیم نظامی آمریکا، مثل ماجرای طبرس، هست

* دشمن اگر بتواند اغتشاشات داخلی بوجود بیاورد، به موفقیت خود نزدیک شده. صفحه ۲

سند دیگری در اثبات وابستگی گروهکهای ضدانقلابی جنگ افروز در کردستان به رژیم جنایتکار صدام

تاکنون دهها سند و مدرک از کمکهای همه جانبه رژیم جنایتکار صدام به گروهکهای ضدانقلابی جنگ افروز در کردستان، بخصوص گروهک کومله و دادرسته قاسملو، منتشر شده و به اطلاع همگان رسیده است. خود قاسملو نیز چندی قبل با صراحت از وابستگی خود به بعث عراق سخن گفت. اکنون مدرک جدیدی در وابستگی این مزدوران به بعث عراق منتشر شده است. رادیو اسرائیل در بخش بخشی از بیانیه اش، رادیو K.S.A (جمهوری آفریقای جنوبی) در سرویس آسیای خود، سخنان طارق عزیز، معاون شورای

در ۳ روز گذشته، توسط رزمندگان انقلاب چند فرونده و اپیما، تعدادی تانک وعده زیادی از تجاوزگران صدامی نابود شدند

رزمندگان مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در تمام جبهه‌ها، دشمن متجاوز را زیر ضربات کوبنده خود قرار داده‌اند. گزارش رسیده از سرریل زهاب به نقل از روابط عمومی ستاد عملیاتی سپاه پاسداران غرب کشور حاکیست: فدائیان اسلام مستقر در منطقه بوسیله خیار-انداز یک محل تجمع دشمن را با ۳۰ مزدور یعنی نابود کردند. همچنین در این منطقه (سرریل-زهاب) یک مستقر بتونی، یک خودرو و تعدادی از سربازان و درجه داران یعنی نابود شد. طبق گزارشات رسیده، در نبرد روزهای سه شنبه و چهارشنبه در جبهه های غرب بیش از ۳۰۰ تن از مزدوران صدام کشته یا مجروح شدند. در نبردهای این دو روز، یک توپخانه دوزخ مزدوران صدام که مناطق مسکونی را هدف قرار می‌داد منهدم و یک جبهه، یک خودرو و ۵ تانک بقیه در صفحه ۴

تاخیر در اصلاحات ارضی خطرناک است

دشوار است. دهقان زادگان (پاسداران، سربازان، داوطلبان بسیج، رزمندگان محلی، عشایر) شهبید می‌شوند و فئودالها و زمینداران بزرگ توطئه می‌چینند. میزان تولید در اراضی تقسیم شده بطور کلی بالا رفته است. بزرگ مالکان و سخنگویان آنها دروغ می‌گویند که تولید پائین آمده. این توطئه ایست برای بی‌حرمت کردن اصلاحات ارضی. فئودالها هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. زمین‌های غصبی را باید از آنان پس گرفت. لیبرالهای مدافع استثمار و روحانی نمایان همدست بزرگ مالکان بیپوده می‌کشند از راه اعمال فشار و ایجاد مشکلات و تضییقات مانع انجام قطعی و کامل اصلاحات ارضی شوند. دهقانان زحمتکش با هشاری و فعالیت مداوم خود و با تکیه بر نهادهای انقلابی، چون سپاه پاسداران و جهاد سازندگی و هیئت‌های هفت نفری و «تادز زمین و مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و همه انقلابیون صدیق، موفق خواهند شد این کار را بسر انجام برسانند. صفحه ۵

امپریالیسم - دشمن اصلی اسلام

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

برای حفظ آرامش در محیط‌های کارگری بکوشیم

هفته گذشته ما در نامه «مردم» تحت عنوان «هشدار به کارگران درمورد اعتصاب، تحصن و...» درمورد وضع ناسالم در محیط‌های کارگری اطلاع‌دهی کردیم.

با توجه به وضع دشمنانه، شرکت واحد اتوبوسرانی و چند کارخانه و کارگاه مهم دیگر، یادآور شدیم که از دوجانب برای آرمیان برداشتن تشنج در محیط‌های کارگری باید اقدام کرد.

بگنجانید خود کارگران هستند، که چون از جان و دل هوادار و پشتیبان انقلابند، علی‌رغم مشکلاتی که با آن روبرو می‌شوند، باید خونریزی خود را حفظ کنند، از توسل به شیوه‌های حاد مبارزه، نظیر اعتصاب، تحصن، کم کاری و نظایر آن پرهیزند و مشکلات خود را از طریق نمایندگان سازمانهای قانونی خود - شوراهای سندیکاها - با مقامات مسئول در میان بگذارند.

جانب دیگر هم مقامات دولتی و مسئول هستند، که باید در رفتار با کارگران اعتدال‌گرا دست بردارند، برای شنیدن حرف‌های کارگران گوش شنوا داشته باشند، با قبول تقاضاهای برحق کارگران در راه ساختن محیط‌های کارگری کوشش کنند و بالاخره خود وسیله تشنج که ضدانقلاب امکان سوء استفاده پیدا کند، تا آنجا که ما اطلاع داریم، در محیط‌های کارگری جداگانه کوشش برای خودداری از هر نوع اقدامی، که در شرایط حساس کنونی می‌تواند اوضاع را به زیان انقلاب و بسودتوطئه‌های آمریکای جنایت‌کار و ضدانقلاب برده باشد، متخوش سازد، بعمل آمده و می‌آید. کارگران قهرمان انقلاب ایران، که هم‌اکنون در جبهه و پشت جبهه مهمترین نقش را ایفاء می‌کنند و جانبازان می‌کوشند که با دفاع از مین انقلابی، توطئه‌های امریکایی دشمن را خنثی و به شکست محکوم سازند، آگاهتر از آنند که بنام تحسین و توطئه گرفتار شوند. بهمین جهت از جانب کارگران جداگانه بردباری و استقامت در برابر ناملامت‌های ناشی از پار سنکین یکساری، گران و اختلال وضع معیشت و کار خود - که البته تفسیر آن متوجه توطئه‌های امریکایی و دست‌نشاندهاگان داخلی آن است - بخرج داده می‌شود، گرچه باید اذعان کرد که، در برخی از واحدهای صنعتی، آنجا که کاسه سیر کارگران لیرین شده، اختلال عوامل ضدانقلاب نیز در ایجاد اعتصاب، تحصن و اقدامات نظیری که در لحظه کنونی بپیچیده به مصلحت انقلاب نیست، نقش کمی نداشته و ندارد.

ما این اعتماد را به کارگران آگاه و انقلابی داریم، که خود هرچه سریعتر، در آنجا که بحرانهای اقتصادی و تحصن شکل گرفته، به آرام کردن محیط خود نائل آیند و راه‌حل‌هایی مبتنی بر رعایت منافع و مصالح انقلاب ضد امریکاییستی و خلقی را، که اکنون با دشمنی سرسخت و مکار نظیر امریکای جنایتکار و تهاجم نظامی آن بوسیله رژیم صدام، با کشور ما دست و پنجه نرم می‌کند، در پیش گیرند. ما اعتقاد راسخ داریم که کارگران ایران، بعنوان عظیم‌ترین نیروی انقلاب ما، وظایف تاریخی و طبقاتی خود را به بهترین نحو انجام خواهند داد و دشمن طبقاتی و امریکاییستی انقلاب را از سوء - استفاده از کمبودها و نارساییها در محیط‌های کارگری - به

حجت‌الاسلام خانم‌های: امکان حمله مستقیم نظامی آمریکا، مثل ماجرای طبس، هست

مراسم نماز جمعه دیروز همچون جمعه‌های گذشته باشکوه فراوان در دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم حجت‌الاسلام خانم‌های امام جمعه تهران در خطبه‌های نماز، هشدار داد که هرگونه درگیری و اشتناش در شرایط کنونی از توطئه‌های امریکایی‌جانخواه است. حجت‌الاسلام خانم‌های متذکر شدند که امریکایی‌ها از آنکه از حمله صدام برای درهم‌شکستن انقلاب ایران، ناامیدند، ۲ حمله دیگر را تدارک می‌بینند. وی همچنین هشدار داد که امکان حمله نظامی مستقیم امریکای جنایتکار به ایران وجود دارد. حجت‌الاسلام خانم‌های تاکید کرد: «امریکا با هر شیوه‌ای که وارد شود شکست خواهد خورد».

حجت‌الاسلام خانم‌های در ابتدا ضمن اشاره به حمله نظامی رژیم مزدور صدام به ایران انقلابی متذکر شد که بعد از حمایت همه‌جانبه عربستان سعودی و اردن و بعضی دیگر از دولت‌های متبجح و سلطان قایم و آمریکا از صدام مشتاور هرچه بیشتر باز شد. حجت‌الاسلام خانم‌های گفت: «هن اطلاع می‌کنیم، امریکایی‌ها بعد از آنکه از حمله صدام مایوس شده است، دو حمله دیگر را تدارک می‌کند. امیلوار بودند که حمله عراق بتواند کار ایران را یکسر کند. حالا که مایوس شدند، دو راه دیگر را تقییم می‌کند. یکی از این دو راه، ایجاد درگیریها و اشتناشهای داخلی است. برادران و خواهران من، هر کسی که درگیریها و اشتناشهای داخلی را، زمینه‌سازی کند، ایجاد کند، تشدید کند، عمل خطای خلافی برسد، جمهوری اسلامی انجام داده. این درگیری‌هایی که در گوشه و کنار تدارک می‌شود، به هیچ وجه قابل قبول نیست، یک ملتی در حال جنگ، می‌خواهند کاری کنند که شما مردم، یادتان برود که در خوزستان و در غرب بهترین جوانهای ما دارند برای بقای انقلاب، جان می‌دهند. می‌خواهند شما فراموش کنید از جبهه‌های جنگ، می‌خواهند شما را سرگرم مسائل داخلی کنند. می‌خواهند مسئله بیافرینند و هر کسی بکند می‌تواند حیرت‌انگیز است. امام فرمودند که، ما به آزادی و امنیت جامعه احتیاج داریم و حقیقت همین است. امروز این ملت باید به آینده خود بیندیشد، دشمن را دفع کند و دشمن اگر بتواند اشتناشات داخلی بوجود بیاورد، چه در شهرها، چه در جاده‌ها، چه در روستاها، چه در نقاط دورگست، چه در نقاط نزدیک به موفقیت خود نزدیک شده. و این یک معیار و یک ملاک است».

امام‌جمعه تهران در بخش دیگری از سخنانش خود از مسئولین کشوری خواست تا بدور از هرگونه چیزی که بچوید می‌آورند، به تحکیم مبانی جمهوری اسلامی ایران بپردازند. حجت‌الاسلام خانم‌های ضمن تاکید بر اینکه «حکومت و قدرت مال مردم است» و «آینده تاریخ مال مستضعفان تاریخ است» متذکر شد: «امریکا یا هر شیوه‌ای که وارد بشود شکست خواهد خورد. شیوه دوم که می‌خواستم بگویم، بجز ایجاد تشنج و اشتناش داخلی، حمله مستقیم نظامی است مثل ماجرای طبس. امکانش هست. در صورت هم، امریکا شکست می‌خورد».

حجت‌الاسلام خانم‌های خطاب به مسئولین، افزود: «مسئولین مוסسات اقتصادی، به فکر اقتصاد این ملت باشند. طرحهای اقتصادی پرزیند، دراز مدت، کوتاه مدت، تلاش و کار و نیروی این مردم در اختیار است. استفاده کنند. مسئولین فرهنگ و آموزش و پرورش، سعی کنند آموزش و پرورش را در این جامعه جدی بگیرند. حجت‌الاسلام خانم‌های در خانه، خطاب به مردم گفت: «شما که اصل شما هستید، شما که متن، شما هستید، شما که محور انقلاب شما هستید، ای امت و در راس این امت، ای امام بزرگوار، میدانید، من هم می‌گویم، عقابت از آن شمامست. یروزی از آن شمامست. همه تلاشهای دشمن برای شکست دادن این ملت کم و ناچیز است و بجایی نخواهد رسید. ما در تمام جبهه‌ها پیروز خواهیم شد».

چند فرزند ...
بقیه از صفحه ۱
و فزیر دشمن نیز بوسیله آتشبره‌های سیلگون او بی‌چشمه در هم کوبیده شد. یک گردان عراقی نیز در منطقه پنجویں، توسط دلبران جمهوری اسلامی ایران تارومار شدند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در طی اعلامیه شماره ۴۴۷ قسمتی از عملیات نیروهای رزمده جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد. در این اعلامیه از جمله آمده است: «۱- در ساعت ۱۳۳۰ پیرروز، ۴ فرزند هواپیمای میک عراقی به حریم هوایی جزایر آبادان و مینو تجاوز و این مناطق را از ارتفاع بالا با راکت مورد حمله قرار دادند که در اثر تیراندازی پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۲ فرزند از سرنوگون شد. ۲- در اثر آتش توپخانه نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه آبادان، ۳ دستگاه تانک ۱۱ دستگاه کامیون حامل مهمات و ۳ سنکر دشمن منهدم شد و تعدادی از نیروهای عراقی بهلاکت

اعلامیه جامعه دانشجویان کرد اروپا درباره اوضاع خاورمیانه: جنگ تجاوز کارانه عراق هدفی جز تضعیف قدرت ایران در مقابله با تهدیدات امریکاندارد

جامعه دانشجویان کرد در اروپا، که از گردان‌های رزمده خلق کرد عراق است، طی اعلامیه‌ای به تشریح تحولات اخیر خاورمیانه پرداخته و جنگ تجاوز کارانه رژیم صدام علیه جمهوری اسلامی ایران را قانعانه محکوم کرده است. متن این اعلامیه چنین است:

دیشرفت روند انقلاب جهانی تأثیر عمیقی بر اوضاع خاورمیانه و مبارزه ملت‌های این منطقه علیه امریکالیسم، سوسیولیسم و نیروهای ارتجاعی و در راه دموکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی نهاده است. در این مبارزه سه نیروی عمده انقلاب جهانی، و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، از اعتلاء انقلابی ملت‌های منطقه پشتیبانی می‌کنند.

دگرگونی‌های اجتماعی مترقی و عمیقی در افغانستان، ایران، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، اتیوپی، سوریه و دیگر کشورهای آسیایسی و آفریقای به وقوع پیوسته است. این تحولات باعث رجعت امریکالیسم آمریکای محافل و دولت‌های ارتجاعی منطقه شده است. انقلاب مردم ایران به معنای پیروزی بر یکی از رژیم‌های ارتجاعی منطقه بود، که پیوندهای مستحکم با امریکالیسم داشت.

از دیگر سو، موافقت‌نامه‌های دوجانبه چون پیمان دکمپدیوید میان مصر و اسرائیل، دیگر برای نشان دادن پیوندهای امریکالیسم و نیروهای ارتجاعی کافی نیست. گام‌های سیمی برای به - هراس انداختن ملل منطقه و جنبش‌های رهایی بخش ملی آنها صورت می‌گیرد. از همین رو ایالات متحده امریکا سپاه واکنش سریع، ایجاد می‌کند، که تخصص آن، جنگ در نواحی مهم جهان، چون خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس است. توان نظامی اسرائیل و برخی از رژیم‌های ارتجاعی تحکیم می‌شود و کوشش‌های مداخلی برای سرکوب خلق دلاور فلسطین و جنبش مقاومت آن صورت می‌گیرد.

توطئه‌هایی برای از میان بردن خصلت عربی لبنان و وحدت آن در جریان است. نیروهای امریکالیستی کودتای راست‌گرایانه ترکیه را به راه انداختند، تا جنبش مردم و جوانان ترکیه، و از جمله اوچ‌کیری مبارزه انقلابی خلق کرد در کردستان ترکیه را، که برای حقوق ملی قانونی خود مبارزه می‌کند، سرکوب کنند.

امریکالیسم با کوشش بسیار و با به کارگیری روش‌های جدید، می‌کوشد متحدین نوینی در منطقه پیدا کند. امریکالیسم آمریکا با بهره‌گیری از همه امکانات خود می‌کوشد که به تشنجات خاور - میانه، میان اعراب و اسرائیل، در خلیج فارس و نواحی دیگر دامن زند. مسایل مرزی میان دولت‌های مختلف عرب در جهت تضعیف دولت‌های جبهه پایداری مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

امام خمینی ...
بقیه از صفحه ۱
«اگر خدای نخواستد دشمنهای ما موفق بشوند به اینکه در هر گوشه‌ای بین ملت ما اختلاف بیندازند، آنها به آزادی خودشان می‌رسند. امروز آنچه که برای ما از همه چیز لازم‌تر است، آرایش است. شما امروز مبتلا به جنگ هستید و مبتلا به این ناپساناییهای داخلی هم هستید. دشمنهای ما شاید اهمیت به این

با اتحاد و اتفاق پیروزی نهای را بدست بیاورند، می‌بینیم به بهانه‌های یخوده، این درگیریها یسا این تظاهرات هست. لذا من تقاضای در مرحله اول اینست که از تمام گروههای مذهبی و غیر مذهبی که در گریه‌های که دیگران دلشان می‌خواهند ایجاد بشه، موجب ایجادش نشوند. من حتی در درگیری که دیروز در خیابان مبارزان واقع شد، احساس می‌کنم دستهای در کار هست که می‌خواهند این کارها بشوند.

آیت‌الله مبدوری کنی، ضمن تاکید بر اینکه باید از هرگونه درگیری و ایجاد تشنج خودداری شود گفت: «من از مسلمانان

امام خمینی ...

اختلافهای داخلی بیشتر بدهند تا هجوم نظامی. برای اینکه اختلافات داخلی ما را از باطن آسیب‌پذیر می‌کند و ما خودمان را از بین می‌بریم. باید ما توجه به این معنا داشته باشیم که مبادا در بین ما اشخاص مغرض نفوذ کنند و اختلاف بیندازند. اگر خدای نخواستد این اشخاص که مغرضند، اختلاف می‌خواهند بیندازند، شما که بیدارید دولت ما که بیدارند، آنها را نصیحت کنید، نگذارند آنها به اعمال خودشان برسند. ما خیلی احتیاج به آرامش داریم. من از همه شما دوستان و از همه ملت ایران می‌خواهم که حفظ کنند آرامش خودشان.

امریکا می‌خواهد ...

داد. آیت‌الله مبدوری کنی از جمله گفت: «من فکر می‌کنم که با توجه به درگیری که ما با دشمن خارجیمان، به حسب ظاهر با دولت عراق داریم و به حسب باطن با ابرقدرت امریکا و پیروزی‌های هم بدست ما، ارتش ما، لشکریان ما، ما، سربرازان و پاسداران ما رسیده، دشمن شروع کرده به یک تحریکات دیگری که ناخودآگاه در داخل کشور، افرادی را وادار کند به ظاهر یا اعتصاب یا تحصن و امثال اینها، ما در موقعیتی که می‌بینیم مملکت باید روی آرامش باشد در داخل، و همه گروهها واقفان ملت دست به دست هم بدهند و

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

امپریالیسم دشمن اصلی اسلام

مقاله زیرین را دانشمند

شوروی، پروفیسور گریگوری یونداروسکی، در مجله انگلیسی زبان «فرهنگ و زندگی» (شماره ۵، سال ۸۰) نشر داده است. از آن جهت که مقاله هرگز برخورد دانشمندان شوروی را به اسلام و انتقاد از سیاست ضداسلامی امپریالیسم نشان می‌دهد، ترجمه آنرا به نظر خوانندگان گرامی نامه «مردم» می‌رسانیم. در این مقاله اطلاع تاریخی جالبی درباره منشأ سیاست اسراییلی امپریالیسم ذکر شده است.

تقریباً هر روز مقالات متعددی در مطبوعات غرب انتشار می‌یابد که در آن‌ها گفته‌ها و حملات رهبران غرب - از کارتر رئیس‌جمهوری آمریکا گرفته تا تاجر نخست وزیر انگلستان و همسایه استرالیایی او فریزر- نقل می‌گردد و بر علل آن به توجه فراوان آن‌ها نسبت به اسلام و سرنوشت قریب به یک میلیارد مسلمان جهان تاکید می‌شود. در این زمینه، زیبکتیو برزیسکی، که مقام او به‌عنوان مشاور رئیس‌جمهوری آمریکا در امور امنیتی، ارتباط جدانی با مسائل الهیات و انسان‌دوستی ندارد، حرارت و بی‌وفایی نشان می‌دهد. برزیسکی اصطلاح مشهور "منطقه بی‌ثباتی" را اختراع کرده است که نظریه‌ایست درباره بخش وسیعی از جهان اسلام و پوششی است برای توسعه و به‌اجرا آوردن برنامه‌های استراتژیک ایالات متحده آمریکا در اقیانوس هند.

مواد مورد بحث در بسیاری از کنفرانس‌ها و سمینارها به‌جای آنکه به‌صورت هزار و چهارصدمین سالگرد هجرت پیامبر اسلام در غرب برگزار گردیده و نیز گزارش‌های برخی از دانشمندان غربی در گردهم‌آیی‌های مشابهی که در شماری از کشورهای شرقی برپا شده است، به‌منظور ایجاد این شبهه است که قدرت‌های غربی به‌اسلام و کشورهای مسلمان جهان احترام زیادی می‌گذارند، چنانکه گویا همیشه نیز چنین کرده‌اند. حال آنکه، واقعیات تاریخی و برخی از اسنادی که به‌تازگی فاش گردیده است، طور دیگری گواهی می‌دهند.

یادآوری اعمال بیرحمانه سربازان جنگ‌های صلیبی در کشورهای گرانگه شرقی مدیترانه، بویژه فلسطین، جنگ‌های خونین استعمارگران انگلیسی علیه مسلمانان افغانستان (در سال‌های ۱۸۲۸-۴۲، ۱۸۲۸-۸۰، ۱۸۷۸-۹۰) و در سال ۱۹۱۹، حمله مسلحانه تجاوزگران انگلیسی علیه مسلمانان ایران (سال‌های ۵۷-۱۸۵۶)، دنبال کردن سیاست "آهن و خون" در هند که در گذشته بوسیله سلسله مغول اعمال می‌گردید - توسط همین استعمارگران انگلیسی برای مدت دوپست و پنجاه سال، جنایات غیرانسانی سربازان انگلیسی هنگام سرکوب قیام عربی با شاد در مصر و در طول سال‌های درازی که این کشور مسلمان در اشغال آن‌ها بود، کافی است تا به‌ریاکاری محافظه‌کاران انگلیسی (که امروز بعنوان حامیان جهان اسلام به‌طور اعم و مسلمانان افغانستان به‌طور اخص، به راه‌پیمایی و تظاهرات دست می‌زنند) بی‌بریم.

فرانسوی‌ها نیز، هنگامی که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم الجزایر، تونس، مراکش و بسیاری از مناطق مسلمان‌نشین در غرب آفریقا را در خون غرق می‌کردند، از استعمارگران انگلیسی دست‌کم‌ی نداشتند. میلیون‌ها مسلمان اندونزی جنایات هولناکی را که استعمارگران هلندی مرتکب گردیدند، تا به امروز فراموش نگردانند. برای حفظ بی‌طرفی باید گفت که

خاورشناسان و کارشناسان علوم سیاسی در آمریکا، گاه به این جنایات استعمارگران اروپایی علیه اسلام اشاره می‌کنند. اما آن‌ها با این کار خود سعی دارند که اولاً خود را از این جنایات مسرمانند و وانمود نمایند که گویا آمریکای دموکراتیک هرگز وجه اشتراکی با سیاست‌های استعماری نداشته است، و ثانیاً، ثابت کنند که تمام این مسائل جز "تاریخ گذشته" است.

با این حال، در فاصله ۱۸۵۱ تا ۱۸۱۲، دولت آمریکا جنگ خونینی علیه مسلمانان لیبی، تونس و الجزایر، که در آن زمان در آمریکا آن‌ها را خوددینان "کشورهای وحشی" می‌نامیدند، بر راه انداخت. در سال‌های ۱۹۳۵-۱۹۴۰، کشتی‌های جنگی آمریکا مناطق ساحلی سوماترا و جزایر دیگری را در کشور مسلمان اندونزی زیر بمباران‌های بربر منساز قرار دادند. در اواخر قرن ۱۹ مزدوران آمریکایی در تحریک و ایجاد برخورد نظامی میان مصر و تونسی نقش بسیار فعالی داشتند و از این طریق نیروی هر دو طرف را تضعیف کردند، تا استعمارگران ایتالیایی و انگلیسی تجاوز بعدی خود را علیه مصر و مناطق مسلمان‌نشین "شاخ آفریقا" با سهولت بیشتری به‌انجام رسانند. در اواسط قرن ۱۹، ماجراجویان آمریکایی همین نقش عامل تحریک‌کننده را در ایجاد برخوردهای مسلحانه میان افغانستان و سیب‌های هند ایفا کردند، که به تسخیر پنجاب، ایالت مرزی در شمال شرقی، و نیز یک تجاوز دیگر استعمارگران انگلیسی به افغانستان کمک قابل ملاحظه‌ای کرد.

این، تنها آغاز جنایات استعمارگران غربی نسبت به کشورهای مسلمان بود. غیرانسانی‌ترین تجاوزات علیه مسلمانان در دوران امپریالیسم آغاز گردید. در سال‌های ۱۸۸۰، مردم سودان - که از سوی مهاجمان انگلیسی از مصر در سال و در برابر سرخ‌درشق مورد تهدید قرار داشتند - در برابر متجاوزان متحد و دیکتاتور اسلامی خویش را به رهبری محمد احمد، که خود را مهدی موعود می‌نامید، بنیاد نهادند. استعمارگران انگلیسی آماده شدند تا این حکومت را در از مدت و به‌طور کامل درهم بکوبند. بالاخره، در سال ۱۸۹۸، این نهضت پس از یک جنگ خونین در نزدیکی ام‌دورسان، که در آن "بشردوستان" انگلیسی از سلاح‌های نوظهور آن زمان - مسلسل - استفاده می‌کردند، درهم شکسته شد.

در آغاز قرن بیستم مبارزه میان امپریالیسم انگلیس و آلمان برای تسلط بر کشورهای مسلمان در خاورمیانه شدت ویژه‌ای یافت. در این مبارزه، امپریالیست‌های آلمانی بر روی عبدالحمید دوم، سلطان خون‌آشام ترک (که خود را خلیفه، یعنی رهبر معنوی تمام مسلمانان سنی قلمداد می‌کرد) حساب می‌کردند. در سال ۱۸۹۸، ویلهلم دوم، امپراطور آلمان از امپراطوری عثمانی دیدار کرد و در یک نطق طولانی در دمشق (که در آن زمان متعلق به امپراطوری عثمانی بود) خود را پشتیبان و متحد نظامی این خلیفه - سلطان ترک دانست. در سال ۱۹۱۲، که جنگ جهانی اول آغاز گشت و

امپریالیست‌های آلمانی ترکیه را نیز به این جنگ کشاندند، این سلطان ترک به دستور اربابانش در برلین برای مبارزه با دشمنان آلمان، یعنی فرانسه، روسیه و انگلستان اعلام جهاد داد. در پاسخ به این عمل، استعمارگران انگلیسی در یک موافقت‌نامه سری با حسین بن علی هاشم، فرماندار مکه، رسماً به او قول دادند که پس از جنگ او را به‌عنوان سلطان یک کشور متحد عربی در خاورمیانه معرفی کنند. در مقابل، حسین نیز به‌عنوان فرماندار مکه علیه آلمان‌ها و متحدان ترک آن‌ها اعلام جهاد کرد. به این ترتیب بود که امپریالیست‌های انگلیسی و آلمانی در مبارزه برای تسلط بر بخش مسلمان شرق زمین، عوامل خود را به اعلام دو "جنگ مقدس" علیه یکدیگر و متحدان "ناپایدار" خود وارد ساختند.

هنگامی که امپریالیست‌های انگلیسی به مقاصد خود رسیدند، دیگر هیچ‌گونه کوششی برای انجام تعهدات خود در مورد ایجاد یک کشور متحد عربی نکردند. بر اساس نقشه‌های سیاستمداران انگلیسی، "عهدنامه بال فور"، مورخ ۴ نوامبر ۱۹۱۷، در مورد ایجاد یک "موطن ملی یهودی" در سرزمین فلسطین، می‌بایستی به‌ایجاد یک "منطقه یهودی" در سرزمین‌های یکبارچه عربی می‌انجامید و از این طریق از ظهور یک کشور متحد و مستقل عربی جلوگیری می‌کرد.

امپریالیست‌های انگلیسی این سیاست را بطور پیوسته تا شروع جنگ جهانی دوم اعمال کردند. امپریالیست‌های آمریکایی که می‌کوشیدند با کمک تجاوزگران صهیونیست از بوجود آمدن وحدت اعراب بر یک بنیاد ضد امپریالیستی جلوگیری کنند، در واقع همان مقاصد (امپریالیست‌های انگلیسی) را در دوران پس از جنگ، تنها در شرایطی متفاوت، دنبال می‌کنند.

در آغاز جنگ جهانی دوم، امپریالیست‌های آلمانی بار دیگر کوشیدند که از رایت سیزاسلام برای مقاصد تجاوزگرانه خود سودجویند. میلیون‌ها اعلامیه در سراسر کشورهای شرقی بخش گردید. در این اعلامیه‌ها عکس هیتر با عماسه به‌جای رسید و اعلام گردید که هیتر به‌اسلام گرویده و نام حیدر را پذیرفته و خود را پشتیبان بزرگ مسلمانان دانسته است. ایستگاه - های رادیویی آلمان این مطلب را بطور پیوسته به زبان عربی پخش می‌کردند. در سال ۱۹۴۱ سپاه ویژه "اف" (که با حرف اول نام فرمانده آن، ژنرال فلمی، خوانده می‌شد) در "ورماخت"، یعنی ارتش هیتر، تشکیل گردید. وظیفه این سپاه انجام تبلیغات پان اسلامی و فعالیت‌های خرابکارانه در کشورهای خاورمیانه بود، که نازی‌ها انتظار تسخیر آن‌ها را، پس از درهم شکستن قوای شوروی در اواخر قفقاز، داشتند.

در همین زمان موران مخفی آلمانی با انور السادات بطور محرمانه گفتگو می‌کردند، تا با کمک افسران مسلمان مصری، که زیر فرماندهی او بودند، نقشه گرفتن مصر را عملی کنند. پس از آنکه قوای نازی‌ها در نزدیکی استالین‌گرا، قفقاز و نوروروسیک بوسیله ارتش شوروی کاملاً درهم شکسته شد، نقشه‌های فاشیست‌های آلمانی، که به‌شیرمانه شاعران اسلامی را در جهت منافع

خود به‌کار می‌گرفتند، با شکست کامل روبرو گردید. پیروزی متفقین ضد - فاشیست، که اتحاد جماهیر شوروی نقش تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا کرد، به سقوط سیستم استعمار و ظهور نزدیک به یکصد کشور مستقل در آسیا، آفریقا، اقیانوسیه و آمریکا لاتین یاری رساند. با این همه، محافل حاکمه در غرب در صد آن نبودند که تسلط خود را بر این کشورها از دست بدهند. بنابراین اشکال و روش‌های تغییر یافت و استعمار نو جانشین استعمار کهن گردید.

یکی از روش‌های اصلی استعمار نو آن است که به‌ر قیمت از وحدت کشورهای در حال رشد جلوگیری کند. این کار از راه‌های گوناگون - تجزیه کشورهای شرقی (کره، ویتنام، یمن)، ایجاد اختلافات مرزی میان کشورهای نو یا و غیره - انجام گردیده است. تحریک و ایجاد اختلافات مذهبی جای برجسته‌ای در نقشه‌های نو استعماری داشته است. به‌عنوان مثال، همه می‌دانند که جنگ برادرکی میان طرفداران مذاهب مختلف هند، به‌هنگام تقسیم هندوستان به پاکستان و هند، و جنگ پس از آن، که در سال ۱۹۴۷-۴۸ میان هند و پاکستان بر سر کشمیر اتفاق افتاد، زندقه‌ی چند صد هزار نفر را در کام خود فروبرد. در این جنگ، که تبلیغات غربی برای تحریک احساسات اسلامی مردم کشمیر جریان داشت، ژنرال‌های انگلیسی، نیروهای دوطرفه هندی و پاکستانی را فرماندهی می‌کردند. محافل حاکمه انگلیسی و آمریکایی می‌کوشیدند تا تا تیره‌تر کردن روابط هند و پاکستان و برجسته کردن آن، پاکستان را به‌بیمان‌های نظامی "سنو"

و "سنو" بکشانند و تا حد امکان احساسات پان اسلامی را در این کشور تحریک کنند. تقریباً هم‌زمان با این جریانات، نو استعمارگران بازی پیچیده‌ای را در خاورمیانه به‌انجام می‌رسانند. آن‌ها در ایجاد جنگ ۴۹-۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل نقش بسیار موثری داشتند و - با کمک تجاوزگران صهیونیست و ارتجاع فئودالی عرب - به‌نابودی کشور عربی فلسطین، که ایجاد آن در قلمنامه ۲۹ اکتبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیش بینی شده بود، یاری می‌رساندند.

انقلاب ۱۹۵۲ مصر ضربه‌ای سنگین بر نقشه‌های نو استعمارگران وارد ساخت و نهضت ضد امپریالیستی در جهان عرب و تأیلات مردم در جهت وحدت اعراب را در جنبه‌های مرفقی آن تشدید کرد. تحت این شرایط، محافل حاکمه آمریکا مانورهای پیچیده‌ای را آغاز کردند. از یک سو اسرائیل را تانددان مسلح کردند و به‌تجاوز علیه رژیم‌های مرفقی عرب در جمهوری متحده عربی و سوریه تشویق کردند و از سوی دیگر از نقشه‌های حکام عربستان سعودی برای به‌وجود آوردن یک بیمان اسلامی، که هدف آن تخفیف گرایش‌های ضد امپریالیستی در کشورهای عربی و کاهش نفوذ مبارزان ضد امپریالیست مانند جمال عبدالناصر بود، با کلیه امکانات پشتیبانی می‌کردند. و تصادفی نبود که پیروزی تجاوزگران اسرائیلی در کشورهای عربی در سال ۱۹۶۷، کاهش

حقایق تاریخی روایتگر آنست که کشورهای امپریالیستی پیوسته با اسلام و مسلمانان خصومت ورزیده‌اند

نفوذ نیروهای مرفقی در جهان عرب و تشدید نهضت پان اسلامی را به دنبال داشت.

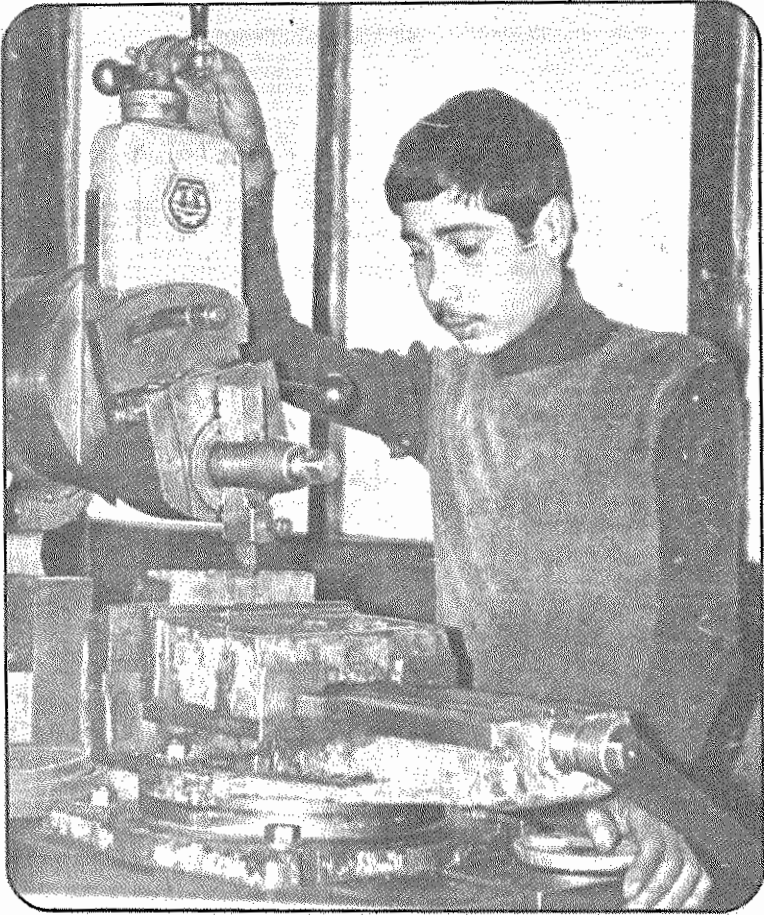
با این همه، واشنگتن بی‌برده بود که فراخوان‌های حکام عربستان سعودی به پان اسلام نمی‌تواند برای مدت طولانی بر جنبش ضد امپریالیستی کشورهای خاورمیانه، بویژه کشورهای منطقه خلیج فارس فائق آید. به این جهت ایالات متحده آمریکا شروع به تقویت بیش از پیش رژیم ضد خلقی شاه در ایران کرد، تا این کشور را به‌صورت یک پایگاه تهاجمی بسیار مهم برای مبارزه با جنبش ضد امپریالیستی تبدیل کند. به‌هنگام اجرای این برنامه، طرفداران اسلام در واشنگتن، از سرکوب بیرحمانه هرگونه ندای آزادی‌خواهانه به‌وسیله شاه و ساواک (پلیس مخفی گشتا پوماند ایران) بی‌حرمتی آن‌ها نسبت به شاعر اسلام، کشتار، تبعید، دستگیری و ترور روحانیون مسلمان ایران از راه‌های گوناگون، کوچک‌ترین نگرانی و تشویشی به‌خود راه نمی‌دادند. هنگامی که انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران به وقوع پیوست و همه مردم امام خمینی را به‌عنوان رهبر انقلاب به رسمیت شناختند، محافل حاکمه آمریکا "جنگ صلیبی" بدون مقدمه را علیه مردم و روحانیت مبارز ایران به‌راه انداختند. هزاران نفر از افرادی که تمرین تیراندازی می‌کردند، عکس رهبر ایران امام خمینی را در سراسر آمریکا کاهد قرار می‌دادند. هنگامی که کارتر برای دومین بار کاندیدی خود را برای ریاست جمهوری اعلام کرد، مادر او در بسیاری از نطق‌های پیش از انتخابات، با لحن شگوه‌آمیزی اظهار داشت که: اگر یک میلیون دلار بول نقد می‌داشت، بلافاصله آدمکشانی را اجیر می‌کرد تا کار خمینی را یکسره کنند!

امروز امپریالیست‌های آمریکایی، که به‌طرز بی‌شرمانه و گستاخانه‌ای شعار مبارزه برای تسلط بر جهان را اعلام کرده‌اند، آب‌های اقیانوس هند و دریای عمان را با ناوگان نظامی خود آلوده ساخته‌اند، و می‌کوشند که سلطه صهیونیسم را بر مردم آزادخواه کشور - های عربی تحمیل کنند، خود را از مبارزان دوا تبه‌راه "آزادی مسلمانان افغانستان" و اسلام قلمداد کرده‌اند. رهبران محافظه کار انگلستان هم، که فضول سیاسی در تاریخ ستم فرهنگی سرکوب آزادی و استقلال میلیون‌ها مسلمان نوشته‌اند، با آن‌ها هم آوازی می‌کنند. از همین رو سخنان لئونید برزنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر شورای عالی اتحاد شوروی در هیات موسسان آموزشگاه عالی "باثومان" در مسکو (۲۲ فوریه ۱۹۸۰) مبنی بر آنکه "کوشش‌های حامیان اسرائیل تجاوزگر و سازمان دهندگان فشارهای گوناگون علیه ایران، برای تظاهر به پشتیبانی از اسلام تقلابی ناشیانه است"، بازتاب گسترده‌ای به دنبال داشت. خلق‌های جهان با روشنی بیش از پیش به این حقیقت پی می‌برند که: امپریالیسم دشمن اصلی اسلام است.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

تراشکارها در صورت دست‌رسی به امکانات می‌توانند کمک موثری برای فعالیت‌های پشت جبهه باشند

کارگران تراشکار می‌توانند با کمک دولت نقش بسزائی در مبارزه علیه توطئه‌های امپریالیسم ایفا کنند



ابزار و وسائل و مواد کم‌داریم. دولت باید وارد کار شود. سرمایه‌داران و محترکها با نصیحت هدایت نمی‌شوند.

میهن مادر شرایطی است که باید از تمام امکانات خود برای مقابله با دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنان انقلاب استفاده کند. در هر زمینه‌ای که ممکن باشد، باید برای قطع وابستگی و تأمین استقلال نهایت استفاده را از امکانات موجود کرد. از امکاناتی که برای رفع نیازها وجود دارد، و استفاده آن در این شرایط موثر خواهد بود، کارگاه‌های تراشکاری هستند.

البته این کارگاه‌ها به علت مشکلاتی که دارند در حال حاضر نمی‌توانند نیروی خود را کاملاً در اختیار انقلاب و اهداف آن قرار دهند. این مشکلات را کارگران بهتر بیان می‌کنند. به همین دلیل با تکی چند از آنها درباره مشکلاتشان به گفتگو می‌نشینیم.

مهدی منیری فرد تراشکار کارگاه منیری با ۲۵ سال سابقه کار می‌گوید: "آمریکایی‌ها خواهند انقلاب ما را بشکنند و برای این منظور به هر کاری دست می‌زنند، که تازه‌ترین نمونه آن داشتن عراق به جنگ با ایران است. آمریکا کارهای دیگری هم کرده است. مثلاً محاصره اقتصادی می‌کند و دوستان آمریکا در کشور ما، مانند سرمایه‌داران بزرگ و از جمله واردکنندگان مواد اولیه صنفا ما، نیز می‌خواهند با احتکار و گرانفروشی ما را به انقلاب بدبین کنند. بنا بر این مهمترین کار دولت، خصوصاً در شرایط جنگی کنونی در دست گرفتن کلیه کارهای مربوط به توزیع کالا و مهمتر از همه ارزاق عمومی است. دولت باید با دایر کردن فروشگاه‌های دولتی از فعالیت مخرب سرمایه‌داران جلوگیری کند."

احمد منیری فرد، در دنباله گفته‌های برادرش می‌افزاید: "اگر وسایل و مواد اولیه مانند آهن و سیم جوش پیدا شود، مادر حد خود می‌توانیم برای مردم و مملکت کار کنیم." استاد کار کارگاه تراشکاری پور افروز، که ۴۵ سال سابقه کار دارد و سازنده ماشین‌های قنادی و شیرینی‌پزی است، نیز می‌گوید: "مشکلات ما خیلی زیاد است. وسایل و مواد و ابزار کم داریم. ریخته‌گران که مابسه کار آنان محتاجیم نیز در مضیقها اند. نفت و بوتنه ریخته‌گری ندارند. دولت باید سدا راساً و با قاطعیت اقدام کند، چرا که سرمایه‌داران و محترکین زانو صفت با نصیحت به راه

درست هدایت نخواهند شد. علی‌پور افروز، کارگر این کارگاه نیز در مورد کار و مشکلات آن چنین می‌گوید: "مشکلات ما جدا از مشکلات جامعه نیست و مربوط به زیربنای جامعه است. ما ست و ما قادر به رفع آن در یک کارگاه و دو کارگاه نیستیم، بلکه باید بطور بنیادی حل شود." اصغر جواد خانی، تراشکار کارگاه تکنیک سازنده صنایع موتورهای مولد برق، آب و موتورهای کشاورزی، نیز عمده‌ترین مشکلات کارگاه خود را کمبود مواد اولیه و اذیت و آزار واردکنندگان این مواد می‌داند و می‌گوید: "متأسفانه دولت هیچگونه نظارتی بر کار واردکنندگان ندارد و تراشکاران از این که وارد کنندگان دروازه چشم دولت با احتکار و سودجویی موجب نارسایی در کار صنعت-گران می‌شوند، بسیار متأسف هستند."

او همچنین اضافه می‌کند: "ما فعلاً اتحادیه نداریم. دولت باید با سهمیه‌بندی برای تراشکاران، فلز مصرفی آنها را تأمین کند." کریم جواد خانی، مکانیک ماشین‌آلات کارگاه نیز از کمبود شدید مواد اولیه و از جمله آهن می‌گوید و اضافه می‌کند: "دولت باید آهن مصرفی این کارگاه‌ها را تأمین کند، تا این کارگاه‌ها بتوانند به مسئولیت عظیم خویش در این شرایط حساس، که میهن ما می‌خواهد خود را از نظر اقتصادی مستقل کند، عمل کنند."

محمود جواد خانی، یکی دیگر از استادکاران کارگاه تکنیک، که هم اکنون به علت بیماری چشم، در اثر ۱۵ سال کار مداوم، از کار بازمانده است، درباره لزوم کمک‌های مالی دولت به تراشکاران چنین می‌گوید: "با وجودیکه ماشین‌آلات کارگاه ما حدود یک میلیون تومان قیمت دارند، و امکان کار در سطح بالا را برای ما ایجاد کرده‌اند. بدلیل ضعف مالی خود راجه کارهای جزئی مشغول داشته‌ایم. در عین حال ما با همین سرمایه ناچیز خود ماهانه حدود ۳۰۰ هزاره برقی بخاری می‌سازیم. ولی با کمک مالی یا وام دولتی ما قادر به ساختن ۱۵ دستگاه از این نوع ارها در ماه هستیم. ما قسمت اعظم سرمایه نقدی خود را در چهار ماهه بیکاری در دوران انقلاب از دست داده‌ایم. ما تنها با افزایش سرمایه نقدی خود و حمایت دولت می‌توانیم

تولید را افزایش دهیم." سیدعباس رنجی شاهگلی، استاد کار کارگاه شاهگلی، سازنده ماشین‌آلات کارگاه - های حلبی سازی، که بانزد سال سابقه کار دارد، در این باره می‌گوید: "اگر کار ریخته‌گران، منظم پیش‌برود که در حال حاضر با مشکلات فراوانی مواجه اند. کار ما هم درست می‌شود. ما وابسته به کار آنها هستیم."

وی ادامه می‌دهد: "ما بدنبال مال و ثروت نیستیم و از دولت نیز انتظار خاصی نداریم، خصوصاً که اکنون با مشکلات ناشی از توطئه‌های دشمنان ما، دست و پنجه نرم می‌کنند. ولی می‌خواهیم دولت به حرف‌های ما گوش دهد، تا دشواری‌ها را از سر راه برداریم."

کارگران در مورد جنگ با رژیم تجا و زگر صدام اعلام آمادگی می‌کنند و درباره نقشه‌ها می‌توانند در زمان جنگ برعهده بگیرند، چنین اظهار نظری می‌کنند: محمود جواد خانی، اشیاء ساخت کارگاه، از قبیل رینگ و پیستون‌های ماشین‌های بزرگ را نشان می‌دهد و می‌گوید: "این وسایل تا چندین سال قبل از خارج وارد می‌شدند و ما اکنون در این کارگاه، آنها را می‌سازیم و مشتریان نیز از آنها بسیار راضی‌اند." وی همچنین از ساخت پمپ آب برای ماشین‌های آتش - نشانی تبریز سخن می‌گوید و اضافه می‌کند: "این پمپ‌ها با قدرت بسیار زیاد قادرند آب را تا ارتفاع ۱۰۰ متر برتاب کنند."

عباس رنجی شاهگلی در همین مورد می‌گوید: "ما هرچه کمک بکنیم، کم کرده‌ایم، چرا که این زمینندگان از آب و خاک و شرف و ناموس و دین ما دفاع می‌کنند و برای ما جان برکف در حال مبارزه هستند. تاکنون دوهزار تومان کمک نقدی کرده‌ام و بعنوان یک تراشکار نیز هر کمکی از دستم برآید، کوتاهی نخواهم کرد. مثلاً تاکنون با کمک یکی دیگر از تراشکاران توانسته‌ام این قطعه‌ای از بی سیسم فرودگاه را، که در آتشسوزی بمباران آسیب دیده بود، از نوسازی و باز هم حاضریم با جان و دل در این راه کار کنیم. از نظر جسمی نیز هنوز قادرم اسلحه بدوش بگیرم، ۳۲ سال است که با اسلحه آشنا هستم و می‌توانم در صفوف مقدم جبهه علیه مزدوران آمریکایی صدام نیز شرکت

کنم و بجنگم." علی پور افروز در این باره می‌گوید: "بعنوان یک تراشکار، ما می‌توانیم در مواقع لزوم و بخواست دولت، خط تولید را عوض کنیم، ما قادریم وسایل یدکی مورد نیاز صنایع و ارتش را در حد توان خویش، و اگر دولت کمک کند، در سطح بالاتر تأمین کنیم." کارگران، کارگاه‌های تراشکاری اغلب از هر گونه مزایا و امکانات اجتماعی دولتی محرومند. قانون کار در مورد آنها اجرایی نشده است و بهداشت و مسکن مناسب نیز بی‌بهره‌اند.

محمد صالحی، کارگر ۲۷ ساله تراشکار، انتظار خود از دولت را از جمله حل مسئله مسکن برای کارگران می‌داند. رسول اعلایی کارگر تراشکار ۲۰ ساله، با ۵ سال سابقه کار، می‌گوید: "هفته‌ای ۴۰۰ تومان دستمزد می‌گیرم و با برادر کوچکم در یک زیرزمین زندگی می‌کنیم. پدرم فوت کرده و مادرم در ده زندگی می‌کند. اگر کمی بیشتر درآمد داشتم مادرم را نیز به شهر می‌آوردیم."

کارگران تراشکار با تمام وجود آماده دفاع از انقلاب هستند و می‌ایند تا آنجا که ممکن است، برای پیشبرد اهداف انقلاب کاری را بر عهده بگیرند، اما به علت مشکلات موجود کارآیی چندانی ندارند. مشکل عمده‌ای که این کارگران دارند، کمبود مواد اولیه است و عامل اصلی این کمبودگی جز محترکین و واسطه‌ها نیست، که در تمام زمینه‌ها با احتکار و عدم ارائه مواد لازم به بازار، بسیاری از کارهای تولیدی را

دچار رکود ساخته‌اند، برای کوتاه کردن دست کارگران و برافه حال این کارگاه‌ها - همچنانکه یکی از کارگران گفته است - دولت باید امور مربوط به توزیع کالاها را ضروری و مواد اولیه را در دست بگیرد، (خصوصاً در شرایط کنونی که ضد انقلاب با فعالیت دامنه‌دار خود در هر زمینه‌ای دست به خرابکاری می‌زند و ایجاد نا رضایتی می‌کند،) و حداقل گوشه‌ای از ضروریات مبرم و حیاتی جامعه را تأمین کند. کارگران نیز باید هر چه زودتر سندیکی خود را تشکیل دهند و از طریق سندیکا و تماس با دولت، مواد لازم خود را از طریق اتحادیه و یاری دولت تهیه کنند.

دولت می‌تواند با کمک مالی و پرداخت وام به کارگاه‌های تراشکاری، قدرت و ظرفیت آنها را برای کار بیشتر افزایش دهد. این کارگاه‌ها در زمان انقلاب و بعد از آن بحرانهای اقتصادی که بوجود آمد، قسمت اعظم سرمایه خود را از دست داده‌اند و در حال حاضر به علت عدم توانایی مالی کیفیت و ظرفیت کامل کار را ندارند.

یکی دیگر از کارها نیکه دولت می‌تواند انجام دهد، دادن مواد اولیه بصورت نسیه به کارگاه‌هاست.

کارگران مشکلات رفاهی نیز دارند، که می‌شود آنها را با اقداماتی نظیر طرح و اجرای قانون کار تأمین بیمه و بهداشت، تعیین حداقل دستمزد برای رفع احتیاجات زندگی و غیره از میان برداشت

کمبود مواد اولیه نباید موجب اخراج و بیکاری کارگران گردد

باجواز رژیم صدام به خاک میهن ما، از اوراق عمومی و مواد اولیه، بر تزیینات امپریالیستی آمریکا علیه مستقیم امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، نسبت به انقلاب محترک، که بر استیلا قب جوان ایران افزوده‌اند. ستون پنجم امپریالیسم را با اعمال از آنجمله روغن و آرد ضد انقلابی خود مبنی بر و شکر، در کارگاه‌های

احتکار کالاها و به ویژه اوراق عمومی و مواد اولیه، بر تزیینات امپریالیستی آمریکا علیه مستقیم امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، نسبت به انقلاب محترک، که بر استیلا قب جوان ایران افزوده‌اند. ستون پنجم امپریالیسم را با اعمال از آنجمله روغن و آرد و در نتیجه، عرصه گم‌گام

سوی بر قیمت‌ها می‌افزاید و از سوی دیگر موجب بیکاری کارگران این واحدها می‌شود، که هیچ قانون کاری هم ناظر بر روابط کارگران با کارفرمایان نیست. کارگران صنوف فوق‌الذکر، که غالباً مبتلا به امراض ریوی ناشی از وجود ذرات گرد و خاک آرد و عدم امکانات بهداشتی هستند، علاوه بر تقاضای بیمه همگانی و شمول قانون کار، از دولت انقلاب می‌طلبند که آنان را در این شرایط دشوار، در قبال خطر بیکاری، زیر حمایت خود قرار دهد

بنظر ما، کارگران و نیز احقاق حقوق حقه شیرینی‌پز باید با تقویت خود، از اقدامات سندیکی خود با زیر - پیرانگه و غیر اصولی پوشش قرار دادن کارگران برخی از کارگران بیکار کارگاه‌های هم خانواده، صنف خود، که نه مضر مانند بلکی‌پزی‌ها، یک یک بر توان بود و در همانحال مورد سندیکی خود سوء استفاده ضد انقلاب قرار خواهد گرفت، تحکیم موقعیت کاری خود جلوگیری بعمل آید.

تاخیر در اصلاحات ارضی خطرناک است...

بقیه از صفحه ۱

باز هم مسئله زمین در ایران مطرح است، کاری که دو سال پیش می باید انجام می شد، به علت کارشناسی ها و مسمیاتی های مخالفان انقلاب تا کنون عملی نشده است. اجرای قانون مصوبه و واگذاری عملی زمین ها ظاهراً به دشواری بر - خورده است. برای فعالیت هیئت های ۱۷ نفری مانع تراشی های شده است. بند "ج" قانون اصلاحات ارضی، بر اثر اعتراضات فئودال ها، فعلاً مسکوت مانده است! مشکلات و تضییقاتی که آن ها ایجاد کرده اند، موجب تعویق موقتی این بند شده است.

از روزهای نخست همواره با عمل و با حرف خود نشان دادند که اگر "امنیت اجتماعی" و "آزادی عمل" برای آنان تأمین نشود، یعنی دولت های وابسته و غیرانقلابی در ایران بسرکار نیاید، و اگر بخواهند جلوگیری ها، بهره - کشی ها، تبهکاری ها و فساد آن ها را بگیرند، آنان حاضر به تولید نخواهند شد. برای مردم انقلابی معلوم بود و حالا روشن تر هم شده که فئودال ها هرگز با انقلاب کنار نخواهند آمد. این تاخیر در اصلاحات درست هنگامی به نفع بزرگ مالکان انجام می گیرد که میلیون ها ایرانی زحمتکش در همه جای کشور، و از جمله میلیون ها روستایی ایرانی، مستقیم و غیرمستقیم، از محاصره اقتصادی آمریکا جهان خوار در رنج هستند، و فرزندان دهقانان در سنگرهای نبرد حق و باطل شهید می شوند و تپای جان در برابر تجاوز به مقاومت ایستاده اند.

تأخیر در اصلاحات ارضی و مسکوت گذاشتن بند "ج" در هنگامی صورت می گیرد که فئودال ها و بزرگ مالکان، دست جمعی، در حال توطئه بر ضد رهبری انقلاب، امام خمینی، و روحانیت پیرو خط امام، همه تیرو - های انقلابی و بالاخره جمهوری اسلامی ایران هستند. آن ها همه اهرم های خود را به کار انداخته اند، آن ها نه در جنگ شرکت دارند نه کمکی به جبهه می کنند. برعکس، اگر از دستشان برآید، خرابکاری هم می کنند، به این امید شوم که نظام دلخواه آن ها باز گردد. بانگ محیلانه "آنان در فضا پیچیده است که: "تولید پایین آمده". ظاهراً دلسوزی می کنند، اما پاشای پمراکی، در فکر تخریب هستند. برعکس، و به کوری چشم آن ها باید گفت که، در همه زمین های تقسیم شده، وضع زراعت به مراتب مناسب تر از زراعت زمین هایی است که سال پیش توسط بزرگ مالکان بزرگت پاییزه فته بود. آن ها دروغ می گویند تا اشکال تراشی کنند و جلو فعالیت هیئت های ۱۷ نفری را بگیرند. این خود بزرگ مالکان هستند که زمین ها را بزرگت نبرده اند، و بی شک در کشت بهاره هم نخواهند برد.

از سوی دیگر، میلیون ها تن از دهقانان خرده پا و کم زمین و حتی مرفه، انتظار کمک های بنیادی دولت را می کشند، تا محصول خود را، در سطح هر هکتار، بالا ببرند. کود و بذر مناسب و حل مسئله آب، تضمین خرید و تعیین قیمت عادلانه از عاجل ترین خواست های آنان است. شکی نیست که بدون حل این مسئله، یعنی حل مشکلات کشاورزی و، پیش از همه، حل مسئله ارضی نمی توان تولید را بالا برد، محصولات بیشتری که کشور به آن ها نیاز دارد در داخل تهیه کرد، توطئه محاصره اقتصادی را عمیق گذاشت و "جهد کشاورزی" فرموده "امام خمینی را آغاز کرد.

برای آن که بر بخش مهمی از مشکلات کشور فائق آییم، نمی توانیم تاخیر در اصلاحات ارضی را جایز بدانیم! بی شبهه درگیری در شهرها و سمپاشی و عواظ السلاطین، که ریزه خوار مالکان هستند و حملات لیبرال هایی که

هوادار وابستگی و استعمارند، تأثیرنا - مساعدی در اجرای امر واگذاری زمین گذاشته است. انقلاب باید بر اعمال فشار همه جانبه و مانع تراشی های آنان غلبه کند. دهقانان بی زمین و کم زمین در آرزوی اجرای قوانین اصلاحات ارضی هستند. آن ها اگر متحدان و با هشیاری عمل کنند و از حمایت نهادها و مسئولان متعدد برخوردار شوند، بر دسایس بزرگ مالکان پیروز خواهند شد. تنها در این صورت امید است فریاد آنان به جایی برسد، شیطان بزرگ شکست بخورد، مردم انقلابی ایران از محاصره اقتصادی نجات یابند، زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین تعلق گیرد و حق به حق دار برسد.

آمارهای موجود نشانگر آن است که حدود ۲ میلیون خانوار (۱۰ میلیون دهقان) در روستاها زندگی می کنند، که یا زمین ندارند و یا اراضی مزروعی آن ها حدود ۲ هکتار است. در عوض تنها ۹ هزار تن مالک بزرگ وجود دارند که هر یک مالک بیش از ۱۰ هکتار زمین زراعی مرغوب و حتی تاجند صد و گاه بیش از هزار هکتار هستند. این ۹ هزار تن نیز اغلب با هم نسبت دارند، بعبارت دیگر، بنام زن، فرزند و همشیره (۱) حدود ۲/۵ میلیون هکتار اراضی مزروعی را، که حقاً باید متعلق به دهقانان باشد، غصب کرده اند. این فئودال ها بر طبق قانون ثبت اسناد ۱۳۱۶، در دوره رضاخان، اراضی مزروعی دولتی، خالصه و اراضی دهقانان را به مالکیت خویش در آورده اند، که طبق گفته امام خمینی، اساس ندارد و باید از آن ها گرفته شود. همه می دانند که چه اعمال تصرف عدوانی و سند سازی ها انجام شده و به زور یا به تزویر زمین ها در طی نسل ها و یا حتی در زمان همین شاه ملعون غصب شده است. نمی توان ۱۰ میلیون تن دهقان و اعضای خانواده شان را فدای چند خانواده "فئودال" غاصب کرد، که برای متواری شده اند و عده ای در شهرها جز "مستکبرین قرار دارند و صاحب مستغلات اند، و دسته ای نیز همچنان مشغول چاپیدن دهقانان هستند و توطئه می - چینند. بقول امام خمینی، اغلب آن ها آن قدر چاییده اند که حالا به دهقانان بدهکار هم هستند. ترجمه برپلنگ تیز دندان منطقی نیست! از فئودال ها نباید ترسید! آنان هیچ غلطی نمی توانند بکنند!

باید فراموش کرد که جنبش دهقانی ایران حتی بزرگ به گردن انقلاب ایران داشته و دارد. دهقانان در تحکیم و دفاع از انقلاب، به جان و با تمام نیروی خود، در سنگر و در کشتزار کوشیده اند و می کوشند.

انقلاب ایران باید هشیارانه مترصد توطئه های مالکان بزرگ و فئودال ها، و بقول ستاد زمین، "مشکلات و تضییقاتی"، که آن ها به عمد و به زور اسلحه و بول و ارتباطات و شایعات و خرابکاری ها و غیره ایجاد می کنند، باشد. روستاها را باید از اعمال ضد انقلاب و فئودال ها هر چه قاطع تر زودتر پاک کرد.

روستاها باید سنگر مستحکم انقلاب باشند، تاخیر در اجرای اصلاحات ارضی خطرناک است.

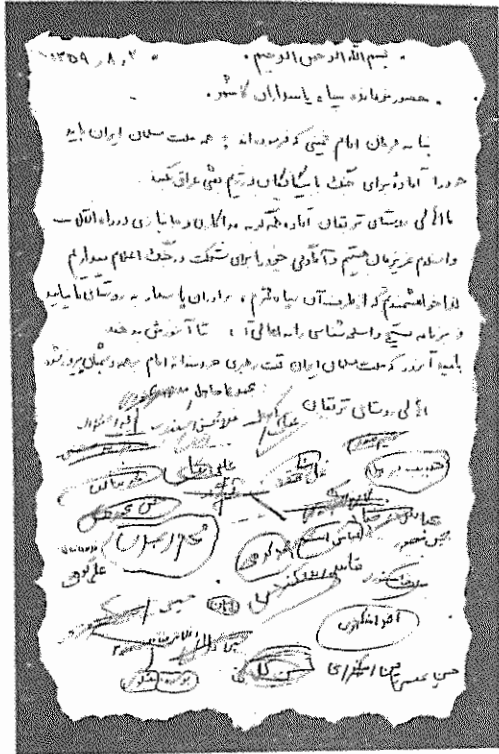
دهقانان مبارز «تربقان» کاشمیر

(روستائی که در انقلاب دوشمید داده است) استوارتر از همیشه آماده نبرد با امپریالیسم آمریکا هستند

دهقانان مبارز تربقان کاشمیر (روستائی که در انقلاب ۲ شهید داده است) استوارتر از همیشه آماده نبرد با امپریالیسم آمریکا هستند.

روستای تربقان با جمعیتی بیش از ۴۰۰ خانوار، در ۴ کیلومتری شرق شهرستان کاشمیر، در کناره رود کاشمیر به مشهود واقع است. اهالی این روستا سابقه مبارزاتی طولانی دارند. تربقان مهد دهقانان مبارزی است که همیشه مورد غضب و کینه کارگران و جنایتکار رژیم سفاک پهلوی بوده - اند. مبارزان دهقانان در زمان دولت ملی دکتر مصدق و در اوج انقلاب ضدا امپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی، زیبا نزد تمام اهالی منطقه کاشمیر است.

این روستا در انقلاب ۲ شهید داده است. اکنون دهقانان مبارز و زحمتکش تربقان برای مبارزه با تاجران صدامی و امپریالیسم آمریکا استوارتر از هر موقع دیگری اعلام آمادگی برای رفتن به جبهه راکرده اند. آنها طی نامه ای از سپاه پاسداران کاشمیر برای آموزش جبهه استمداد



تربقان آماده همه گونه فداکاری و جانبازی در راه انقلاب و اسلام عزیزمان هستیم و آمادگی خود را برای شرکت در جنگ اعلام می داریم. لذا خواهشمندیم که از طرف آن سپاه محترم، برادران پاسدار به روستای ما بیایند و برنامه بسیج و اسلحه شناسی را به اهالی آن روستا آموزش بدهند. با امید آن روز که ملت مسلمان ایران تحت رهبری خرد مندانه امام بر همه دشمنان پیروز شود. اهالی روستای تربقان

امام خمینی: ثروتی را که این مالکان حق جامعه بوده و باید به جامعه برسد، در نزد خود نگه داشته اند و بر خلاف قوانین اسلامی ثروت منحصراً شده اند، ضبط خواهیم کرد و بر اساس حق و انصاف میان محتاجان مجدداً توزیع خواهیم کرد.

نمونه ای از املاک غصبی بزرگ مالکان

آیا این ۵۰ هکتار زمین و باغ هم مشمول بند «ج» میشود؟

اصلاحات ارضی را هر چه سریعتر در مورد آنان به اجرا در آورند، زیرا روشن است که این اراضی و باغات غصبی هستند و به زور بدست صاحبان نفوذ و مقام افتاده اند. آنها شامل تصرف عدوانی میشوند، برای آنها سندسازی شده است. اگر همه این املاک هم از این زالوا گرفته شود، باز هم بخاطر آن همه سالهایی که غارت و فساد کرده اند، بدهکار خواهند بود. آیا باز هم باید تکرار کرد که امام خمینی، در باره اینگونه اراضی، که غالب املاک بزرگ مالکان چنین است، چه گفته اند؟

همچنین باید اراضی زراعی که توسط وی غصب شده، فوراً مسدود گردد و در اختیار دهقانان بی زمین و کم زمین قرار گیرد. علاوه بر این جمهوری اسلامی نمیتواند بر غارتگریها و زورگویی های معصومی چشم ببندد. همه اینها باید رسیدگی شود، تا حق به حق دار رسیده شود. هیئت های هفت نفری در سراسر کشور میتوانند هم اکنون به نحوه تصاحب و سندسازی باغات و اراضی بزرگ مالکان و کارگزاران رژیم منفرود پهلوی رسیدگی کنند و قانون

به غصب املاک بزرگ موفق شده اند. نکته قابل ذکر اینکه، معصومی از وزارت کشاورزی حقوق می گرفت و حسابش در بانک تا همین اواخر مسدود نشده بود! البته در این اواخر دیگر حقوق دریافت نکرده است. این نمونه املاکی است که تعویق موقتی بند «ج» شامل آن نمیشود و باید هر چه زودتر مقامات مسئول، بزرگ وی را مسدود کنند و آن را بصورت مشاع و یکپارچه و به شکل تعاونی در اختیار کشاورزان منطقه کرچ قرار دهند.

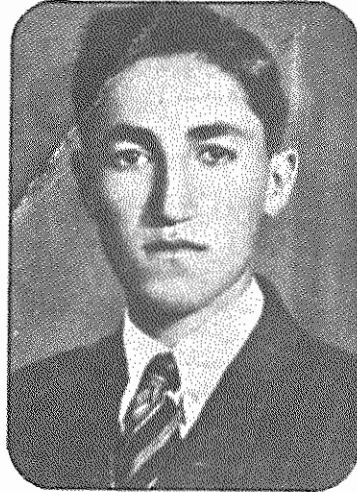
در ۲۲ کیلومتری کرچ، به طرف روستای کهریزک، باغ بزرگی وجود دارد که «متعلق» به سرهنگ معصومی است (معاون طاغوتی و مشهور ویان فراری در وزارت کشاورزی). مساحت این باغ ۵۰۰ هکتار است. این شخص همچنین دارای هزار هکتار زمین مزروعی است. در باغ معصومی حتی محلی برای فرود هلیکوپتر وجود دارد. شخص مذکور همه این امکانات را از طریق وزارت کشاورزی در رژیم گذشته بدست آورده بود. نمونه ای است از آن بزرگ مالکان غارتگری که در زمان پسر رضاخان

نگاه کن!

چگونه توده‌های درون جبهه‌ها طلایه دار وحدت است



به وضع بیمارستان‌های دولتی رسیدگی کنید



رفیق شهید حسین مغمونی

یکی از هواداران حزب ما طی نامه‌ای، ضمن بازگویی درد دل کلابه آمیز یکی از زحمتکشان، نمونه‌ای از برخورد غیرمسئولانه برخی مراکز درمانی را تصویر کرده و در پایان نامه خواستار توجه مسئولین به نارسایی‌های موجود در این زمینه شده است. او می‌نویسد:

"چندی پیش برای فروش نامه مردم رفته بودم محلی که من روزنامه می‌فروختم، تقاطع خیابان نواب صفوی و امام خمینی بود. سرپیچ کارگاه کوچک کانال سازی وجود دارد. مرد زحمتکشی در این کارگاه وجودش هر روز با کار دشوارسوهان می‌خورد. همانطور که سرگرم فروش بودم، مرا صدا کرد. لحن گرم و دعوتگرانه‌ای داشت. داخل کارگاه شدم. در مقابل خود زن برآشفته‌ای را دیدم که بچه‌ای در بغل داشت و کنار او دخترک ۱۰ ساله‌ای بارخسار زرد و رنگ‌باخته، گز کرده، نشسته بود."

صاحب کارگاه، که نگرانی و اضطراب پدران‌های در صورتش موج می‌زد، با دیدن تاجر اولیه من نتوانست جلوی خود را بگیرد. لبریز از حرف بود. گویا یکبار به اندازه زبانش گشودند. او چنین گفت: دو تا کلمه حرف دارم، برونتو روزنامه‌تان بنویس، شاید درد دل ما به گوش مقامات برسد. دخترم را بر دم بیمارستان شهید، تا لوزه‌اش را عمل کنند. آنها گفتند برو بیمارستان آیت‌الله طالقانی. رفتم بیمارستان آیت‌الله طالقانی، آنجا بعد از سر دواندن‌های بسیار، که گاهی اوقات تانیمه شب هم بازن و بچه‌ام سرگردان بودیم، سر آخر تاریخ باور نکردنی و عجیبی برای عمل دست من دادند. شاید باورتان نشود، ولی عین حقیقت است. روی کارت اواسط تیر ماه سال ۱۳۶۱ تاریخ خورده است!

نامه "مردم"

برخورد جدی با خواست‌ها و نیازهای اولیه زحمتکشان چون در آن و بهداشت - با توجه به مصوبات قانون اساسی در زمینه بیمه رایگان - ضروری است. در زمانی که بیکاری و گرانی بیداد می‌کند و زحمتکشان، با دستمزد ناچیز خود قادر به پرداخت هزینه‌های گزاف پزشکان و بیمارستان‌های خصوصی نیستند، باید بیمارستان‌های دولتی با تمام امکانات و ظرفیت، با احساس مسئولیت کامل، در خدمت مردم قرار گیرند. براین اساس، از مسئولان امر می‌طلبیم که به مورد فوق رسیدگی کنند.

نگاهی به زندگی شهید گمنام توده‌ای

* رفیق، از شهید، زندگی نامه یکی از شهیدان گمنام عضو حزب توده ایران را، به همراه یک قطعه عکس، برای ما ارسال داشته است. اواز جمله می‌نویسد:

"رفیق قهرمان حسین مغمومی در سال ۱۳۱۵ در یک خانواده کارگری پایه‌هستی نهاد و زندگی پر بار خویش را در راه استقلال و آزادی میهن ایثار کرد."

... او در سال ۱۳۳۱ به

عضویت سازمان جوانان حزب توده ایران پذیرفته شد. رفیق حسین، در یک کلام، انسانی فداکار و صادق و مطمئن به پیروزی زحمتکشان و آینده تابناک ایران بود که در سنگر حزب ما جان باخت.

... رفیق حسین مغمومی در تاریخ ۲۲/۷/۲۱ توسط دژخیمان شهر یابی مشهد دستگیر شد و بی درنگ تحت شکنجه‌های غیرانسانی قرار گرفت. او در همان روز دستگیری پس از تحمل ضربات مرگبار وارده و استعمال باتون از طرف پلیس برای کسب اطلاعات و اقرار، دچار خونریزی شدید داخلی ناشی از پارگی روده شد. دژخیمان برای پوشانیدن این جنایت بلید، او را به بیمارستان شاه‌رضای سابق منتقل کردند.

... و او بعد از چند بار عمل جراحی، و پس از نهمه مبارزه با مرگ و زندگی، در تاریخ ۲۳/۴/۱۷ شهید شد.

نامه "مردم" ضمن تشکر از رفیقی که زندگی نامه این شهید گمنام را فرستاده، یاد رفیق شهید حسین مغمومی را گرامی داریم.

ما راهروان خسته

کوره راه‌های بی سرانجام را بپذیر!

* محمد ف، هوادار سابق سازمان چریک‌های فدایی خلق از کرمانشاه، در نامه‌ای سرشار از شور و عاطفه عمیق خویش، روند دریافت گوهر راستین اندیشه‌های حزب ما را بازگو می‌کند. بخشی از نامه او را می‌خوانید: "ای تنها حزب واقعی طبقه کارگر ایران، اینک که با تو سخن می‌گویم، لحظه‌ای بزرگ در زندگی من آغاز می‌شود، لحظه‌ای که تیرا باز یافته‌ام، ترا که گمشده من بودی. مدت‌ها بود که به دنبال تو می‌گشتم: حیران و سرگشته. اما هر بار سرم به سنگ خورد... تا عاقبت دریمی جستن‌های بسیار به تو رسیدم: چشمانم پر نور و قلمم پر شور گشت. در آن هوای مسموم گذشته، چقدر علی‌ه تو سپاسی کرده بودند، چقدر تو را هیولای زشت سیرتی خوانده بودند. اما آن ابرسیاه در برابر پرتو خورشید حقانیت تودوامی نیامورد."

دوست ما آنگاه، ضمن اشاره به "ره‌گم‌کردگان دیروز" و "راه‌یافتگان امروز"، نامه خود را ایسان بیایان می‌برد:

"ما راهروان خسته کوره راه‌های بی سرانجام را بپذیر!"

نامه "مردم" - حزب طبقه کارگر ایران، حزب همه شیفتگان راه زحمتکشان است. به حزب توده ایران خوش آمدید.

* دوست گرامی، ر. ا. راد از قصر شیرین، چند کاریکاتور شمارسید.

* دوست گرامی، "کارمند بانک ملت" نامه جالب شمارسید. متشکریم.

* دوست گرامی، رسول مهربان پیام تبریک شما به مناسبت آغاز مجدد انتشار نامه "مردم" رسید. متشکریم.

* هنرجویان هوادار حزب توده ایران در هنرستان صنعتی بدیع - زادگان، پیام تبریک شما دریافت شد. از همه شما سپاسگزاریم. دیگر نامه‌های رسیده.

* نامه "فرزانه" - هدر باره افترازان، نامه ژاله از تهران، پرسش‌های م. ق. از لاهیجان و نامه س. ق. رسیده است. از همه این دوستان متشکریم.

شعر

* ع-ج دهاتی، شعر "حامی صلحیم ما، اما... را به پاس نبرد زندگی ساز و پایداری جانبازانسه" رزمندگان میهن ما در جنگ تجاویز و تحمیلی داروسته - صدام سرورده است. ابیاتی چند از آن را می‌خوانید: "غارت جان می‌کنند این نابکاران روز و شب - با چنین غارتگران هستی انسان به جنگ."

حامی صلحیم ما، اما جو جنگ آمده پیش - ای دل‌آور ملت آزاده ایران بچنگ. تا شوند کامی و ذلت نصیب دشمنان همچو خونین شهریان ای خلق آبادان بچنگ.

هر کجا هستی بصد بندگان زور و زر کارگر، کاسب، معلم، پیشه‌ور، دهقان بچنگ. * از "شعله رها" شعر "طلایه دار وحدت" را دریافت کرده ایم. بخشی از آن چنین است:

نگاه کن! نگاه کن!

چگونه توده‌های درون جبهه‌ها

طلایه دار وحدت است!

... و خون پاک او،

به راه توده‌ها ندای غیرتست!

نگاه کن! نگاه کن!

خروش اتحاد او میان خلق،

چگونه رهگشای همت است!

* "با ستاره‌ها" سروده ایست از م. ر. م. دریافت شده از اهواز. پارچه‌هایی از آن چنین است: فرشته‌ها پاک و دور دست! ستاره‌ها! شما که ساکت و صبور به دردهای ما زمینیان نگاه می‌کنید! ... جنوبیم ستاره‌ها!

جوانی از دیار نرفت و خاک‌داغ و نخل فرا گرفته درس رزم زحمتکشان توده‌ها و ایستادام کتون چو کوه استوار. مقابل هزار خصم رنگ رنگ و بی شمار: و این زمان،

به ضد آمریکا نبرد می‌کنیم،

که میهن عزیزمان شود رها،

ز قیدها، ز بندها.

* دیگر اشعار رسیده:

شعر "آروند رود" و "وصیت" از غ. ج. - دهاتی، "توده‌های از م. ا. وطن من سرورده" ج. د. از بوشهر، "سیامک" و "پیام حسرت" سروده سبزیلی از فیروزکوه، و از

شیدا شعر "خروشان در پی خورشید رفتن"، سروده‌ای از محمد ی. و دو شعر محلی، از ح. ق. از ساری دریافت شد.

از همه این دوستان صمیمانه سپاسگزاریم.



در مطبوعات کشور

وزرای بازرگانی

و خارجه چرا تعیین نمی‌شوند

دا خله را تا مین‌کند، اکنون همچنان ساکت است.

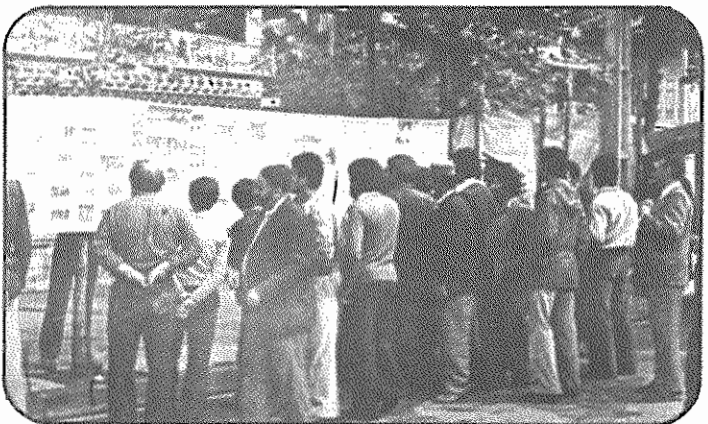
وزارت امور خارجه نیز سرنوشت وزارت بازرگانی را دارد... هشدار ما به دولت و رئیس جمهور این است که هر چه زودتر وزارتخانه‌های خارجه و بازرگانی را راه بیندازند.

خصوصاً اینکه در زمینه وزارت خارجه مسائل جنگی مطرح است و در مورد وزارت بازرگانی، "ملی شدن تجارت خارجی که هنوز بعد از گذشت این همه مدت از تصویب قانون اساسی، به مرحله اجرا در نیامده است.

از ۱۲ (۱۳۵۹)

کمیاب فعال نبودن این وزارتخانه‌ها شده است، هر روز لطفاً فراوانی از جهات گوناگون برای جمهوری اسلامی ایران به بار می‌آورد. وزارت بازرگانی که باید عهده دار روابط اقتصادی - تجاری جمهوری اسلامی با خارج باشد و با مبادلات تجاری هم، نیازهای ارزی و هم می‌تواند اقتصاد

نمایشگاهی از دستاوردهای انقلاب در هشتمین - استان گیلان



از سوی سازمان جوانان توده ایران در هشتمین استان گیلان نمایشگاهی تحت عنوان "دستاوردهای انقلاب"، کسه شامل عکسها، دلرجه‌ها و مطالبی در مورد رویدادهای انقلاب بود، در این شهرستان برپا شد. این نمايشگاه، در مدت برپائی خود، مورد استقبال توده‌های مردم قرار گرفت.



شورای نگهبان قانون اساسی:

مشاورین و نمایندگان ریاست جمهوری حق مداخله در امور اجرایی را ندارند

شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به استوار نخست‌وزیر، آقای محمدعلی رجایی در مورد افرادی که بنام نماینده یا مشاور ریاست جمهوری در امور اجرایی مداخله می‌کنند، پاسخ گفت. شورای نگهبان تأکید کرد که مشاورین رئیس جمهوری حق دخالت در امور اجرایی را ندارند.

بسم الله الرحمن الرحيم جناب آقای محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه ۵۹۹۶۱۶-۲۸۸۶ در مورد کسب تکلیف نسبت به مراجعه افرادی بعنوان نماینده و مشاور ریاست جمهوری به سازمانهای دولتی و مداخله در امور اجرایی و صدور دستور به مأمورین اشتهار میدارد: موضوع در شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت قاطع اعضای شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد. چون مشاورین و نمایندگان ریاست جمهوری مقام مسئول نیستند، طبق قانون اساسی حق مداخله در امور اجرایی و صدور دستور به مأمورین دولتی را ندارند.

از نامه سازمان حزب توده ایران در صومعه سرا: نیروهای انقلابی باید دوشادوش هم علیه تجاوز رژیم صدام مبارزه کنند

سازمان حزب توده ایران در صومعه سرا، ضمن نامه ای به فرماندهی سپاه پاسداران این منطقه، اعلام کرد که: «تمام امکانات خود را جهت دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در اختیار آن نهاد انقلابی قرار می‌دهد».

در این نامه، ضمن اشاره به انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی، که «طومار زندگی طاغوت و طاغوتیان و نوکران سرسپرده امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا را درهم پیچیده» آمده است:

«پس از شکست توطئه‌های متعدد، از جمله مداخله نظامی آمریکا در ایران (مراجری طیس) و کودتای ۲۸ تیر، نقشه دیگر آمریکاییان، تجاوز نظامی صدام خائن به همین ما بود. صدام منفور، که قصد جانشین شدن جلال خلق‌های ایران (محمدرضای معدوم) و ژاندارمی منطقه و سرکوبی انقلابیون منطقه و نوکری آمریکا را در سر می‌پروراند، جهت سرنگونی انقلاب ایران هم‌راهی سادات، شاه خاند، شاه حسین و سایر رهبران ارتجاعی منطقه شده است. امپریالیسم آمریکا به این سادگی‌ها از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دست بردار نیست. در این ایام وظیفه تمام نیروهای انقلابی است که برای حفظ و حرارت از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دستاوردهای آن، که منافع مردم ماست، دوشادوش هم علیه تجاوز نظامی صدام خائن، این سنگ تیرجیری آمریکا، و تمام توطئه‌های احتمالی آینده چنایکاران بین‌المللی تا پای جان مبارزه کنند».

در پایان این نامه، حزب توده ایران - سازمان صومعه سرا آمادگی خود را برای مبارزه علیه دشمنان انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران اعلام داشته است.

عوامل ضد انقلاب با پر تاب نارنجک در اجتماع گروهی از مردم سقر، یک زن و یک کودک را بقتل رساندند

چندی قبل در سومین ماه انحلال آموزش و پرورش استان کردستان، هیات انضامی وزارت آموزش و پرورش، به منظور الغای تصمیم یادشده، اقدامات خود را در چهارچوب بازگشایی مجدد مدارس شهرستان سقر آغاز کرد. بر بنیاد این تصمیم اصولی و بجای آموزش و پرورش، در تاریخ پنجم تا هشتم مهرماه سال جاری، مدارس ابتدایی و در نوزدهم همان ماه، مدارس راهنمایی سقر گشایش یافتند. با این وجود، دبیرستانها همچنان در حالت تعطیل باقی ماندند. اگرچه در ابتدا قرار بود که سال تحصیلی پیشین همچنان لغوشده تلقی گردد، اما در پی انجام مذاکراتی با چند تن از معلمان، تصمیم گرفته شد که، با در نظر گرفتن یکماه فرست بمنظور بازخوانی و مرور درسیب سال گذشته، از داوطلبین امتحان بعمل آید. به این ترتیب دانش‌آموزانی که بدون تجدیدی از امتحانات موفق بیرون می‌آمدند، در شرایطی که ۳ ماه از سال تحصیلی جاری می‌گذشت، تحصیلات خود را در کلاس بالاتر آغاز میکردند. ولی از آنجا که در صد قبولی در سطح نالی قرار داشت، عوامل ضد انقلاب تحریکات خود را در میان دانش‌آموزان، بمنظور ایجاد اغتشاش و به تعطیل کشاندن مجدد مدارس آغاز کردند. این عناصر سرانجام موفق شدند که با سوء استفاده از احساسات دانش‌آموزان، حدود ۲۰۰ تن از آنان را بمدت ۳ روز پیایی به تظاهرات وادارند. در ادامه این تظاهرات، مسئولین آموزش و پرورش شهرستان سقر، اگرچه به معترضین امتحانات قبول رسیدگی به شکایاتشان را دادند و دانش‌آموزان متفرق شدند، اما با تصمیم بعدی آموزش و پرورش دایر بر «تعطیل مدارس راهنمایی تا دستور ثانوی، گروهی از دانش‌آموزان، با برپایی تظاهراتی، خواستار گشایش مدارس راهنمایی شدند.

تظاهرات با دخالت سپاه پاسداران شهرستان سقر پایان گرفت و مأمورین سپاه حدود ۶۴ دختر و ۴۰ پسر را از میان تظاهر کنندگان دستگیر کردند. چندی بعد ۱۳ تن از دستگیر شدگان آزاد شدند و بقیه همچنان در حالت بازداشت باقی ماندند. ولی عناصر ضد انقلاب، که از هیچ جنایتی بمنظور ایجاد درگیری و اغتشاش خودداری نمی‌کنند، در روز ۱۳ آبان ماه ۵۹ هنگامیکه بستگان دانش‌آموزان، یادشده مقابل سپاه پاسداران اجتماع کرده و خواستار آزادی دستگیر شدگان بودند، نارنجکی میان اجتماع کنندگان پرتاب کردند، که در نتیجه یک زن و یک کودک کشته شدند و سه نفر دیگر جراحتی برداشتند. ما این اقدام ضدانقلابی را، که صرفاً در جهت امیال امپریالیسم آمریکادشمنان جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است، شدیداً محکوم می‌کنیم و قاطعانه خواستار دستگیری و مجازات عوامل این عمل ضدانقلابی هستیم. همچنین از مسئولین آموزش و پرورش انتظار داریم که در این شرایط حساس، که کشور ما از هر سو آماج توطئه‌های آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش قرار گرفته است، با رسیدگی به وضع مدارس در استان کردستان، توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی را در این بخش حساس از کشورمان عقیم گذارند.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

مردم کرمانشاه روز ۴ آذر ۵۹، با شرکت در مراسم پیکوچلیم روز شهادت قربانیان بمباران هوایی کرمانشاه توسط تجاوزگران صدامی، را گرامی داشتند. شرکت کنندگان در این مراسم در حالی که فریاد می‌زدند: «این سنجیدگی است» «اینها، برپا، برپا، برپا» مسلسل‌ها، سوی آمریکا، سوی پیش‌ها» نرفت خود را از جنایات امپریالیسم آمریکا به نمایش گذارند و بازدیدگر بیمان خود



میتوان روزانه کار هشت‌ساعته، بیمه اجتماعی، آموزش ابتدایی اجباری و رایگان و خدمات پزشکی مجانی را نام برد. رهبری حزب و دولت کوشش فراوانی برای توسعه کشاورزی، بویژه افزایش صادرات کاکائو، که نزدیک به ۱۶۰ سال است در این مجمع‌الجزایر کاشته می‌شود، میبذول میدارد. بزرگترین پلانتهای ملی شده عبارتند از «گاوایه» (۴ هزار هکتار) و «ریوداورو» (۳۱۰۰ هکتار).

در «سائوتومه و پرنسیپه»

چند روز پیش نود هزار شهروند سائوتومه و پرنسیپه - جزیره‌ای بساحت ۹۶۴ کیلومتر مربع، واقع در اقیانوس اطلس، پنجمین سالگرد آغاز دگرگونیهای اجتماعی - اقتصادی خود را بزرگ داشت. سائوتومه و پرنسیپه در ۲۱ تیر ۱۳۵۴، پس از پانصد سال

امپریالیسم امریکا برای حفظ مناقش از تمام وسائل استفاده می‌کند!

جان بلانک، وزیر کشاورزی آینده آمریکا، که از سوی ریگان به این سمت منصوب شده است، در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود با گستاخ‌ریزه امپریالیستها گفت: «باید از گندم بعنوان یک سلاح سیاسی استفاده کرد».

بیکاری و تورم روزافزون در انگلستان شمار بیکاران انگلستان تا سال آینده به ۳ میلیون نفر می‌رسد

اوضاع اسفبار اقتصادی انگلستان، تکرار مناقش اقتصادی این کشور را برانگیخته است. سازمان برکریه کشورهای صنعتی سرمایه‌داری - سازمان همکاری و توسعه اقتصادی - در گزارشی خود اعلام کرده است: «بهدار بحران اقتصادی در انگلستان افزایش یافته و این کشور تا پایان سال آینده بیش از ۳ میلیون بیکار خواهد داشت». بنا به آخرین آمار دولتی، شمار بیکاران این کشور اکنون به ۲ میلیون و دویست و پنجاه هزار نفر رسیده است. آمار غیر رسمی حاکیست که در انگلستان بطور متوسط هر هفته ۲۵ هزار نفر بیکار می‌شوند. این بیکاری با تورم فزاینده همراه است.

وزیر دفاع افغانستان: حضور نیروهای کوبایی و بلغارستان در افغانستان است

وزیر دفاع افغانستان حضور نیروهای کوبایی و بلغاری را در افغانستان تکذیب کرد و ادعاهای خبرگزاریهای امپریالیستی را در این باره بوج و بی‌اساس خواند. محمد رفیع وزیر دفاع افغانستان گفت: «در افغانستان تنها نیروهای محدود شوروی- که بدرخواست دولت برای مقابله با تجاوز خارجی به این کشور آمده‌اند، حضور دارند. دولت افغانستان پاره‌ها اعلام کرده است که به محض قطع تجاوز خارجی، نیروهای محدود اتحاد شوروی از خاک افغانستان خارج خواهند شد».

مردم کرمانشاه روز ۴ آذر ۵۹، با شرکت در مراسم پیکوچلیم روز شهادت قربانیان بمباران هوایی کرمانشاه توسط تجاوزگران صدامی، را گرامی داشتند.

میتوان روزانه کار هشت‌ساعته، بیمه اجتماعی، آموزش ابتدایی اجباری و رایگان و خدمات پزشکی مجانی را نام برد. رهبری حزب و دولت کوشش فراوانی برای توسعه کشاورزی، بویژه افزایش صادرات کاکائو، که نزدیک به ۱۶۰ سال است در این مجمع‌الجزایر کاشته می‌شود، میبذول میدارد. بزرگترین پلانتهای ملی شده عبارتند از «گاوایه» (۴ هزار هکتار) و «ریوداورو» (۳۱۰۰ هکتار).

در سه‌ماه گذشته: نیروهای چینی ۸۰۰ تجاوز مسلحانه علیه ویتنام انجام دادند

رهبران پکن تجاوزات و تحریکات خود را علیه ویتنام قهرمان افزایش داده‌اند. به گزارش رادیو هانوی، در سه ماه گذشته نیروهای چینی به بیش از ۸۰۰ تجاوز مسلحانه علیه ویتنام می‌آورد کرده‌اند، که طی آنها پانصد ساختمان نواحی مرزی ویتنام ویران و عده زیادی نیز کشته و مجروح شده‌اند. ویتنام اعلام کرده است که دارو دسته حاکم بر پکن باید مسئولیت پیامدهای این تجاوزات را بعهده گیرند.

تظامیان جوان السالوادور به انقلاب می‌پیوندند

دو افسر جوان، از نیروهای مسلح السالوادور، که به خاطر اعتراض به جنایات رژیم السالوادور، به مکزیک پناهنده شده‌اند، در يك کنفرانس مطبوعاتی اوضاع داخلی السالوادور را تشریح کردند. دیدنا کروس، یکی از دو افسر پناهنده گفت: «مخالفت با رژیم السالوادور، که دست‌نشانده امپریالیسم آمریکاست، در میان نظامیان کشور رو به افزایش است. در سال‌ها سالوادور و دیگر شهرها افسران انقلابی سلولهای مخفی انقلابی تشکیل داده‌اند».

کشورهای در حال رشد، برای مقابله با امپریالیسم، خواهان استقرار نظام عادلانه اقتصادی در جهان هستند

خبرگزاری تاس در گزارشی درباره وضع کنونی اقتصادی جهان سرمایه‌داری و اثرات آن می‌نویسد: «به‌بوجه آمار صندوق بین‌المللی پول، قیمت‌های جهانی مواد خام در نوامبر گذشته یک‌دو درصد کاهش یافته و در عرض‌های مواد غذایی در همین ماه یک درصد افزایش یافته است. کاهش بهای مواد خام اساسی کشورهای در حال رشد، کالاهایی مانند قهوه، کاکائو، پشم و کتان را در بر می‌گیرد. تورم در کشورهای غربی در تجارت با کشورهای در حال رشد به افزایش بهای کالاهای ساخته شده و تجهیزات صادراتی کشورهای غربی منجر شده و در همان حال بهای مواد خام کاهش می‌یابد. این عوامل خسارات بزرگی به کشورهای در حال رشد وارد می‌سازد».

تاس در بخش دیگری از گزارش خود می‌نویسد: «مهمترین دلیل مشکلات اقتصادی کشورهای در حال رشد موضوع ناپراب و اتیاق آنها در محدوده اقتصاد سرمایه‌داری جهانی است. سیاستهای مالی، تجارت خارجی و اعتباری کشورهای سرمایه‌داری در برابر کشورهای در حال رشد، هدف کسب سود مضاعف از طریق استثمار و غارت قوتها ملی کشورهای در حال رشد و بردگی مالی اقتصادی این کشورها را تقویت می‌کند. در اثر همین سیاستهاست که کشورهای در حال رشد هم‌اکنون تا حدود ۳۰۰ میلیارد دلار به کشورهای غربی بدهکار هستند. بوجوب برآوردهای اولیه، پرداختهای سالیانه کشورهای در حال رشد در زمینه بازپرداخت وام‌های میان‌مدت و درازمدت و بهره آنها در سال ۱۹۹۰ در مقیاسه با سال ۱۹۷۶ تقریباً برابر شده و سالیانه به سیصد میلیارد دلار بالغ خواهد شد. تا سال ۱۹۸۵، پرداخت دیون و بهره آنها برابر با ۸۸ درصد کل وامی خواهد بود که این کشورها انتظار دارند در آن سال از کشورهای غربی دریافت کنند».

تاس همچنین می‌افزاید: «کاهش بهای مواد خام، کساد اقتصادی و تورم در غرب مغایر با منافع اقتصادی کشورهای در حال توسعه است و آسیبهایی بزرگی به این کشورها وارد می‌سازد. بسیاری از کشورهای در حال رشد پس از بدست آوردن استقلال سیاسی، روند پیچیده بازسازی اقتصادی را آغاز کردند، اما از آنجا که در جهان سرمایه‌داری از حق برابری برخوردار نیستند، تحکیم استقلال آنها با موانع جدی روبرو شده است. کشورهای در حال توسعه برای مقابله با امپریالیسم خواهان استقرار نظام اقتصادی جدید بین‌المللی هستند».

تاس ضمن اشاره به حمایت اردوگناه سوسیالیسم از این کشورها می‌نویسد: «تلاش این کشورها برای بازسازی نظام اقتصادی جهانی براساس موازین عادلانه و دموکراتیک، همبستگی روزافزون این کشورها، تلاش مشترک برای حفظ منافع خود و همچنین حمایت کشورهای سوسیالیستی از این تلاشها، قدرت واقعی در جنبش علیه استعمار نو بشمار می‌رود».

Advertisement for 'Khan Sidi' (خان سید) featuring large calligraphic text and a list of prices for various items like 'Khan Sidi' and 'Khan Sidi'.